

علل تفاوت ارث زن و مرد از دیدگاه اسلام

لیلا قنبری^۱

چکیده

پژوهش حاضر بررسی علل تفاوت ارث زن و مرد در اسلام است که به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شد. نتایج این بررسی بیانگر آن بود که ارث یکی از خواسته‌های درونی انسان و هماهنگ با فطرت اوست و مورد توجه جوامع بشری و دین مبین اسلام قرار گرفته است. اتهام تبعیض و ناعدالتی در نصف بودن سهم الارث زنان وارد نیست. بنابراین جهت استفاده مردان از ارث برای فعالیت‌های اقتصادی موجب شده است تا در یک سری از حالات سهم بیشتری ببرند و هزینه زندگی مردان و زنان از راه مناسب‌تری تامین گردد. از این رو پس از بیان مفهوم شناسی نتایجی حاصل شد عبارتند از ۱- علل تفاوت ارث زن مقابل مرد از دیدگاه اسلام که شامل الف: ارث زن بدون فرزند، ب: تک فرزند دختر بودن است، همچنین راهکارهای عملی پیشگیری از اختلافات در مسئله ارث هم شامل الف: وصیت کردن ب: منصف بودن و اطلاع از تفاوت ارث زن و مرد است. همچنین علل تفاوت ارث میان مرد و زن از دیدگاه اسلام نیز عبارتند از الف: نفقه از جمله دلایل زیاد بودن ارث مرد نسبت به زن و ب: مهریه که از عوامل دیگر فزونی ارث مرد از زن است.

مقدمه

با مرگ انسان ملکیت او زایل می شود و اموال وی به دیگران میرسد اسلام با در نظر گرفتن مصالح فرد و اجتماع سهم هر یک از بازماندگان میت را مشخص کرده و به تمام نزاع ها و مشکلاتی که بر تقسیم اموال میت وجود داشت خاتمه داده است. این سهم ارث نام دارد که در دنیای قدیم یا به زن اصلاً نمی دادند یا ارث می دادند اما با او مانند صغیر رفتار می کردند یعنی به او از استقلال و شخصیت حقوقی نمی دادند. در بعضی از قوانین قدیم جهان به دختر ارث می دادند و به فرزندان او ارث نمی دادند بر خلاف پسر که هم خودش می توانست ارث ببرد و هم فرزندان او می توانستند وارث مال پدر بزرگ شوند. نگارنده در نظر دارد که تفاوت های میان زن و مرد در مورد مسئله ارث را از نظر اسلام بیان کند و در آخر به این پرسش پاسخ دهد که علت تفاوت ارث زن و مرد از دیدگاه اسلام چیست؟

^۱. طلبه حوزه علمیه فاطمه الزهرا سلام الله علیها آمل

ارث از کهن‌ترین سنت‌هایی باشد که در جامعه بشری بوده است. در توان منابع موجود تاریخی نیست، که نقطه آغاز آن را تعیین کند و تاریخ هیچ امت و ملتی، به آن دست نیافته است. البته علاوه بر اینکه ارث بردن رسم بوده، طبیعت امر هم همین را اقتضا دارد؛ چون اگر در طبیعت اجتماعی انسان دقت کنیم، خواهیم دید که مال و مخصوصاً مال بی‌صاحب، چیزی است که انسان طبیعتاً خواستار آن بوده و علاقمند است آن را در نیازهای خود هزینه کند. به دست آوردن مال، به خصوص مالی که هیچ مانعی از به دست آوردن آن نیست، از عادت‌های اولیه و کهن بشر است. آنچه از اسناد و نوشته‌ها به دست آمده است نشان می‌دهد که مسئله ارث در تمامی ادیان و مذاهب و ملل مختلف و از پیدایش انسان‌ها و اختلاف بین ما ترک مال محیط وجود داشته است. عرب جاهلیت حاضر نبود به زن ارث بدهد، اما قرآن کریم این حق را برای زن تثبیت کرد. اسلام ناهمواریهای ارث زن را اصلاح کرد. اگر تنها جنبه اقتصادی مطرح بود، اسلام تفاوتی میان ارث زن و مرد قائل نمی‌شد. دو برابر شدن ارث مرد به خاطر تحمیلی است که از جهات دیگر بر بودجه مرد وارد شده است. دنیای قدیم یا به زن اصلاً ارث نمی‌داد و یا ارث می‌داد اما با او مانند صغیر رفتار می‌کرد یعنی به او استقلال و شخصیت حقوقی نمی‌داد. احیاناً در بعضی از قوانین قدیم جهان اگر به دختر ارث می‌دادند به فرزندان او ارث نمی‌دادند، بر خلاف پسر که هم خودش می‌توانست ارث ببرد و هم فرزندان او می‌توانستند وارث مال پدر بزرگ بشوند. و در بعضی از قوانین دیگر جهان که به زن مانند مرد ارث می‌دادند، نه به صورت سهم قطعی و به تعبیر قرآن «نصبیاً مفروضاً» بود بلکه به این صورت بود که به مورث حق می‌دادند که در باره دختر خود نیز اگر بخواهد وصیت کند. علامه جوادی آملی در کتاب زن در آئینه جلال و جمال در مورد موضوعات و سهام ارث زن اشاره کرده است. در کتاب زن در تفسیرنمونه از آیت الله مکارم شیرازی نیز در مورد تفاوت زن و مرد در ارث مطلب آمده. همچنین علامه سید محمد حسین طباطبایی نیز در کتاب زن در قرآن خود به مطالبی در مورد تفاوتها و فلسفه ارث پرداخته است. در تفاسیر مختلف مانند تفسیر نمونه آیه ۱۱ و ۱۲ سوره نسا از آیت الله مکارم شیرازی و تفسیر نور از شیخ محسن قرائتی در مورد مسئله ارث و عوامل تفاوت ها بین زن و مرد سخنانی بیان شده است علاوه بر این کتب در مقاله‌هایی مانند مقاله فلسفه تفاوت ارث زن و مرد در اسلام نیز در این مورد مطالبی آورده شده و یا مجله اندیشه قم با موضوعیت "علت تفاوت ارث زن و مرد" مطالبی بیان شده است نگارنده در نظر دارد با جمع آوری مطالب این کتاب و مقاله‌ها در مورد موضوع علل تفاوت زن و مرد بیشتر بپردازد.

آنچه از اسناد و نوشته‌ها به دست آمده است نشان می‌دهد که مسئله ارث در تمامی ادیان و مذاهب و ملل مختلف و از پیدایش انسان‌ها و اختلاف بین ما ترک مال محیط وجود داشته است. علامه جوادی آملی در کتاب زن در آئینه جلال و جمال در مورد موضوعات و سهام ارث زن اشاره کرده است. در کتاب زن در تفسیرنمونه از آیت الله مکارم شیرازی نیز در مورد تفاوت زن و مرد در ارث مطلب آمده. همچنین علامه سید محمد حسین طباطبایی نیز در کتاب زن در قرآن خود به مطالبی در مورد تفاوتها و فلسفه ارث پرداخته

است. در تفاسیر مختلف مانند تفسیر نمونه آیه ۱۱ و ۱۲ سوره نسا از آیت الله مکارم شیرازی و تفسیر نور از شیخ محسن قرائتی در مورد مسئله ارث و عوامل تفاوت ها بین زن و مرد سخنانی بیان شده است علاوه بر این کتب در مقاله هایی مانند مقاله فلسفه تفاوت ارث زن و مرد در اسلام نیز در این مورد مطالبی آورده شده و یا مجله اندیشه قم با موضوعیت "علت تفاوت ارث زن و مرد" مطالبی بیان شده است نگارنده در نظر دارد با جمع آوری مطالب این کتاب و مقاله ها در مورد موضوع علل تفاوت زن و مرد بیشتر بپردازد. اگر این موضوع بررسی نشود می تواند مشکلاتی در برداشته باشد زیرا وقتی شخصی نداند که تفاوت های میان زن و مرد چیست و علت اختلاف تقسیم ارث به خاطر چه تفاوت هایی است در زندگی دچار سردرگمی و ابهام میشود کسی که ارث را تقسیم می کند اگر این تفاوت ها و اختلافات در تقسیم ارث را نداند موجب ناحقی و در نتیجه موجب بروز اختلاف بین اعضای خانواده اش خواهد شد بنابراین این مقاله در نظر دارد این ابهامات را برطرف کرده و از بروز مشکلات بعدی جلوگیری کند.

مفهوم شناسی

در ادامه به معنای لغوی و اصطلاحی ارث می پردازیم.

الف. تعریف لغوی ارث

در لغت نامه ی دهخدا در مورد لغت ارث این گونه آمده است. میراث یافتن ، میراث بردن، آنچه از مال مرده به وارث رسد، بازمانده ، وا مانده ، ما ترک^۱ و همچنین حسینی دشتی در کتاب معارف و معاریف در مورد ارث این چنین آورده است. ارث انتقال مال و جز آن از یکی به دیگری. ارث به معنی اسم مصدر یا اسم مفعول، مالی یا حقی یا سلطه ای که از در گذشته به بازمانده ای انتقال یابد، مرده ریگ.

استحقاق شخصی است از مال شخص مرده یا حقی از حقوق شرعیه او^۲.

ب. تعریف اصطلاحی ارث

در کتاب فرهنگ فقه هاشمی شاهرودی نیز در باب معنای اصطلاحی ارث مطلبی را آورده اند. ارث در اصطلاح به معنای استحقاق مال یا حقی با مرگ دیگری یا آنچه در حکم مرگ است با شرایط و ملاک های خاص می باشد این مفهومی که ذکر شد مفهوم مصدری است مفهوم اسمی آن عبارت است دارایی و حقوقی

۱. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۱۶۵۵

۲. حسینی دشتی، معارف و معاریف، ص ۶۵۳

که فرد با مرگ دیگری یا آنچه در حکم مرگ است مانند ارتداد مستحق می‌شود. عنوان ارث از باب‌های مهم فقهی می‌باشد.^۱ در کتاب شرح المعه در مورد معنای اصطلاحی ارث اینچنین آمده است.

در واقع میراث عبارتی است که از ارث مشتق می‌شود و عبارت است از اینکه انسانی در اثر مرگ دیگری به واسطه خویشاوندی نسبی یا سببی، چیزی را بالاصاله (یعنی به اصل شر و جعل شارع) مستحق گردد. بنابر احتمال دیگر میراث از موروث مشتق می‌باشد، به معنای مالی که انسانی در اثر مرگ دیگری به واسطه خویشاوندی نسبی یا سببی، بالاصاله مستحق می‌گردد. پس بنابر احتمال اول میراث مصدر است و به معنای نفس مستحق شدن و استحقاق یافتن است، ولی بنابر احتمال دوم معنای مفعولی دارد و به معنای مالی است که انسان مستحق می‌شود.^۲

علل محرومیت زن از ارث در گذشته

علت اصلی محرومیت زنان از ارث، جلوگیری از انتقال ثروت خانواده‌ای به خانواده دیگر بوده است. طبق عقاید قدیمی نقش مادر در تولید فرزند ضعیف است؛ مادران فقط ظروفی هستند که در آن ظرفها نطفه مردان پرورش می‌یابد و فرزند به وجود می‌آید.^۳ از این رو معتقد بودند که فرزندان پسر یک مرد، فرزندان او و جزء خانواده او هستند و اما فرزندان دختر او فرزندان او و جزء خانواده او نیستند، بلکه جزء خانواده پدر شوهر دختر محسوب می‌شوند. روی این حساب اگر دختر ارث ببرد و بعد ارث او به فرزندان او منتقل شود، سبب می‌شود که ثروت یک خانواده به یک خانواده بیگانه منتقل گردد. در کتاب ارث در حقوق مدنی ایران تألیف مرحوم دکتر موسی عمید، صفحه ۸، پس از آن که می‌گوید: در دوره‌های قدیم، مذهب اساس خانواده‌ها را تشکیل می‌داده نه علقه طبیعی، می‌گوید:

محرومیت زن از ارث علل دیگر نیز داشته است، از آن جمله ضعف قدرت سربازی زن است. آنجا که ارزشها بر اساس قهرمانیها و پهلوانیها بود و یکی مرد جنگی را به از صد هزار آدم ناتوان می‌دانستند، زن را به خاطر عدم توانایی بر انجام عملیات دفاعی و سربازی از ارث محروم می‌کردند. عرب جاهلیت از همین نظر مخالف ارث بردن زن بود و تا پای مردی- ولو در طبقات بعدی- در میان بود، به زن ارث نمی‌داد. لهذا وقتی که آیه ارث نازل شد و تصریح کرد به اینکه: «لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ»^۴

۱. هاشمی شاهرودی. فرهنگ فقه. ص. ۳۴۸

۲. شیروانی. شرح المعه. جلد دوازدهم. ص. ۱۱۶.

۳. مطهری، مجموعه آثار استاد، ج ۱۹، ص: ۲۳۴.

۴. مطهری، همان، ج ۱۹، ص: ۲۳۵.

سهم ارث زن و مرد

خداوند در مورد سهم ارث زن و مرد در سوره نسا می‌فرماید: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَرَثَةٌ أَبُوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَ أَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (١١) وَ لَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَ لَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَ لَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ (١٢)؛ خداوند به شما در باره فرزندانان سفارش می‌کند: سهم پسر، چون سهم دو دختر است. و اگر [همه ورثه،] دختر [او] از دو تن بیشتر باشند، سهم آنان دو سوم ما ترک است و اگر [دختری که ارث می‌برد] یکی باشد، نیمی از میراث از آن اوست، و برای هر یک از پدر و مادر وی [متوفی] یک ششم از ما ترک [مقرر شده] است، این در صورتی است که [متوفی] فرزندی نداشته باشد. ولی اگر فرزندی نداشته باشد و [تنها] پدر و مادرش از او ارث برند، برای مادرش یک سوم است [و بقیه را پدر می‌برد] و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می‌برد، [البته همه اینها] پس از انجام وصیتی است که او بدان سفارش کرده یا دینی [که باید استثنا شود]. شما نمی‌دانید پدران و فرزندانان کدام یک برای شما سودمندترند. [این] فرضی است از جانب خدا، زیرا خداوند دانای حکیم است. (١١)

و نیمی از میراث همسرانان از آن شما [شوهران است اگر آنان فرزندی نداشته باشند و اگر فرزندی داشته باشند یک چهارم ما ترک آنان از آن شماست،] [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده‌اند یا دینی [که باید استثنا شود]، و یک چهارم از میراث شما برای آنان است اگر شما فرزندی نداشته باشید و اگر فرزندی داشته باشید، یک هشتم برای میراث شما از ایشان خواهد بود، [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده‌اید یا دینی [که باید استثنا شود]، و اگر مرد یا زنی که از او ارث می‌برد کلاله [بی‌فرزند و بی‌پدر و مادر] باشد و برای او برادر یا خواهری باشد، پس برای هر یک از آن دو، یک ششم [ما ترک] است و اگر آنان بیش از این باشند در یک سوم [ما ترک] مشارکت دارند، [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش شده یا دینی که [باید استثنا شود، به شرط آنکه از این طریق] زبانی [به ورثه] نرساند. این است سفارش خدا، و خداست که دانای بردبار است. (١٢)»^۱

^۱. نسا: ۱۱ و ۱۲.

با این که ظاهراً ارث مرد دو برابر زن است، اما با دقت بیشتر روشن می شود که از یک نظر، ارث زنان دو برابر مردان می باشد! و این به خاطر حمایتی است که اسلام از حقوق زن کرده است. اسلام وظایفی بر عهده ی مردان گذارده، که با توجه به آن، نیمی از درآمد مردان عملاً خرج زنان می شود، در حالی که در عهده ی زنان چیزی گذارده نشده است، مرد باید هزینه ی زندگی همسر خود را طبق نیازمندی او، از مسکن، پوشاک، خوراک و سایر لوازم بپردازد، و هزینه ی زندگی فرزندان خردسال نیز بر عهده ی اوست، در حالی که زنان از هر گونه پرداخت هزینه ای حتی برای خودشان معاف هستند. بنابراین، یک زن می تواند تمام سهم ارث خود را پس انداز کند، در حالی که مرد ناچار است آن را برای خود و همسر و فرزندان خرج کند، و نتیجه ی آن عملاً چنین می شود که نیمی از درآمد مرد برای زن خرج می شود، و نیمی برای خودش، در حالی که سهم زن همچنان به حال خود باقی می ماند.^۱

امام صادق در پاسخ به این پرسش که چرا سهم ارث پسر دو برابر دختر است؟ چنین فرموده اند: چون بر زن نه جهادی واجب است، نه نفقه ای و نه پرداخت دیه ای (به عنوان عاقله) بلکه اینها به عهده مردان گذاشته شده است. امام رضا نیز در این باره می فرماید: علت این که از میراث به زنان نصف سهم مردان داده می شود این است که: زن، چون ازدواج کند، (مهریه) می گیرد ولی مرد دهنده (مهریه) است. به همین جهت بر سهم مردها افزوده شده است و علت دیگر این که سهم مرد دو برابر سهم زن می باشد، این است که: زن اگر احتیاج پیدا کند، تحت کفالت مرد است و مرد مکلف است امور معاش او را تأمین کند و نه وظیفه دارد در صورت نیازمندی مرد نفقه او را بپردازد. به این دلایل است که خداوند متعال بر سهم مردها افزوده است و این سخن خداوند است که می فرماید: «مردان قیّم زنان هستند، بدان سبب که خداوند بعضی از آنان (انسانها) را بر برخی دیگر برتری داده و (نیز) بدان سبب است که (مردان) از اموال خود هزینه می کنند»^۲

سهم واقعی زنان، از نظر مصرف و بهره برداری، دو برابر سهم واقعی مردان است. واز سوی دیگر، معمولاً قدرت آنها برای تولید ثروت کمتر است، و این یک نوع حمایت منطقی و عادلانه است که اسلام از زنان به عمل آورده است. در واقع سهم حقیقی آنها را بیشتر قرار داده، اگر چه در واقع سهم آنها نصف است. پاسخ هایی که از طرف پیشوایان بزرگ (ائمه اهل بیت) به این سوال داده شده، غالباً به یک مضمون است، و آن اینکه «خداوند مخارج زندگی و پرداخت مهر را بر عهده ی مردان گذارده است، به همین جهت سهم آنها را بیشتر قرار داده است.»

^۱ . مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۴.

^۲ . محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۵۸۹.

در کتاب «معانی الاخبار» از امام علی بن موسی الرضا (ع) نقل شده که در پاسخ این سوال فرمود: «اینکه سهم زنان نصف سهم مردان از میراث است به خاطر آن است که زن هنگامی که ازدواج می کند مبلغی می گیرد و مرد ناچار است بپردازد، به علاوه هزینه زندگی زنان بر دوش مردان است، در حالی که زن در برابر هزینه زندگی مرد و خودش مسئولیتی ندارد.»^۱

از حکمت‌هایی که در زیاد سهم بردن مرد از زن موجود است از همان حکمت‌ها در ارث زن و شوهر نیز موجود است که از آنهاست زحمات و مخارج مرد در راه جهاد در دین که به عهده مرد است و از زن عفو شده است مرد باید در راه دین با مال و جان جهاد کند چنانچه در آیات قرآنی جهاد به مال مقدم بر جهاد به جان ذکر شده تمامی مخارج در راه کمک به دین و جهاد (یعنی تحمل انواع زحمات و مشکلات در راه دین نه قتال با شمشیر فقط) با مال در نصرت اسلام به عهده مرد است و غیر از این‌ها از مصلحت‌ها که اگر ذکر شود سخن به طول می‌انجامد. و اگر حکمت و مصلحت‌های مذکوره در آن روایات را علت تشریح حکم فرض کرده و آن را سرایت از موردی به مورد دیگر که عیناً مثل آن است داده باشیم بیشتر از قیاس باطل چیز دیگری نیست که اجماع و ضرورت مذهب شیعه بر بطلان آن حاکم است. مرد شیعی هرگز نمی‌تواند زبان بر جواز قیاس بگشاید مگر اینکه سنی باشد.^۲

۲-۱ نفقه از جمله دلایل زیاد بودن ارث مرد نسبت به زن

حکمت تعلق دو برابر سهم الارث دختران به پسران، ممکن است این باشد که نفقه زن یعنی هزینه ی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان او از زمان عقد تا پایان عمر و نفقه ی فرزندان از آغاز تولد تا سن خود کفایی بر عهده ی مرد گذاشته شده است و مردان نسبت به اعضای خانواده ی خویش دارای وظایف اقتصادی می باشند و سالیان طولانی باید بخش مهمی از اموال خود را صرف همسر و فرزندان کنند، علاوه بر آن پسران با ازدواج موظف به پرداخت مهریه می شوند و دختران مستحق دریافت مهریه. از این رو با ازدواج، در یافتی زن چند گانه هست و پرداختی مرد چند جانبه. مردان باید نفقه ی همسر و فرزندان، مهریه ی همسر، اجرت شیر دهی و حق الزحمه کار در منزل از شوهر خود می باشد و در صورت اشتغال نیز دستمزد آنها به خودشان تعلق دارد، بنابر این اراده ی الهی بر این امر تعلق یافته که به گونه ای این کمبود دریافتی مرد و گران باری مسئولیت های اقتصادی او جبران گردد.^۳

۲-۲ مهریه از عوامل دیگر فزونی ارث مرد از زن

۱. طباطبایی نسب، تفسیر نفیس، ج ۲، ص ۳۶۴.

۲. طباطبایی، تحقیق در ارث زن از دارائی شوهر، ص ۱۲۱.

۳. آیت اللهی، حقوق زنان برابری یا نا برابری، ج ۲، ص ۳۵۷.

اسلام میان مرد و زن تبعیض قائل نشده است؛ زیرا بر اساس قانون ارث همیشه یک سوم ثروت عمومی-که حاصل از ثروت باقی مانده از گذشتگان است-برای زن و دو سوم از آن مرد می باشد، و در عوض تمان مخارج زندگی بر دوش مرد بوده و زنان چنان هزینه ی عمومی قابل توجهی ندارند، و این یک سوم ثروت نیز از باب امتنان و عنایت نسبت به نیازمندی های زینتی و غیر ضروری آن ها تعیین شده است؛ گذشته از آن که زن مهریه نیز ندارد و با آن می تواند یک ششم دیگر را جبران کرده و با مرد برابر شود، بی آن که هزینه ی قابل توجهی را به عهده داشته باشد؛ خلاصه این که دین با صرف نظر از وضعیت مالی افراد مختلف، در زمینه ی ارث، قانونی را رایج نموده است که همواره یک تعادلی میان افراد بشر نسبت به مالکیت دارایی ها و ثروت این جهان، برقرار باشد. مرد به لحاظ ساختار طبیعی شخصیت، از آزادی عمل بسیاری در زمینه ی فعالیت اقتصادی بر خوردار است. از دیدگاه اجتماعی نیز مرد در تلاش برای جذب و فراهم آوردن امکانات مالی، توانا تر و آزادتر از زن و امکان دست رسی او به پول، سرمایه و ثروت مهیا تر و افزون تر از اوست. از سوی دیگر، توان جسمانی و استعداد روانی مرد برای اشتغال طولانی در اجتماع و پشتکار در کسب درآمد، بیش از زن است و به طور طبیعی، فطری و روانی، در تمام این زمینه ها دستی توانا تر، انگیزه ای قوی تر و روحی آماده تر از زن دارد؛ از این رو روشن است که مرد با توجه به استعدادهای ذاتی و سرمایه فعلی اش در این زمینه به خوبی می تواند در موازنه با زن برابر باشد و این دو از نظر حقوق مادی از توازن و هماهنگی واقعی بر خوردار باشند؛ پس در قانون ارث نیز هم چون دیگر احکام و قوانین اسلام، در حق هیچ یک از زن و مرد کاستی و ناروایی رخ نداده است.^۱

گر چه دریافتی ارث زن نصف مرد است، ولی بهره گیری اش دو برابر مرد است. فرض کنید مقدار موجودی ۳۰ باشد که دختر ۱۰ و پسر ۲۰ می برد، ولی دختر به خاطر آنکه تعهدی ندارد، سهم خود را پس انداز می کند و برای مخارج زندگی از سهم پسر که ۲۰ بود بهره مند می شود. پس نیاز خود را از سهم مرد تامین کرده و سهم خود را ذخیره دارد. بنابراین دختر در گرفتن نصف می گیرد، ولی در بهره گیری کاملاً تامین است. در حدیثی از امام جواد علیه السلام آمده است: هیچ گونه هزینه فردی و اجتماعی بر عهده زن نیست، علاوه بر آنکه هنگام ازدواج مهریه می گیرد، ولی مرد هم مهریه می دهد هم خرج زن را عهده دار است. زن بی هیچ مسئولیتی سهم ارث دریافت می کند و حق پس انداز دارد ولی در بهره گیری، از همان سهم مرد بهره می گیرد.^۲ عرب جاهلی، زنان و کودکان را از ارث محروم می کرد، ولی اسلام برای هر یک از فرزند و

^۱ . نکونام، زن مظلوم همیشگی تاریخ، جلد چهارم، ص ۱۱۹-۱۲۰

^۲ . تفسیر نورالثقلین به نقل قرائتی، تفسیر نور، ج ۲، ص ۲۵۰.

همسر، متناسب با نیازهای آنان سهم الارث قرار داد. تقسیم الهی ارث، هم عالمانه است و هم اگر تخلف کردید، خداوند در قعر خود حلیم است و شتابی ندارد.¹

نتیجه گیری

حال بعد از آنکه سنت‌های جاری ارث در میان امت‌های گذشته را به اجمال بیان کردیم، مقایسه میان آنها و داوری در این که کدام ناقص و کدام کامل و کدام سودمند و کدام برای جامعه بشری زیان آور، کدام خوشبختی آور و کدام بدبختی زا است را به دقت نظر خواننده وا می‌گذاریم، و آنگاه از او می‌خواهیم همه سنت‌های جهان هستی را با قانون اسلام مقایسه کرده و ببیند که باید چه قضاوتی در این باره بکند. فرضیاتی که در این مقاله مد نظر نگارنده بوده به شرح زیر می باشد. علت اصلی اختلافات بین انسانها بالاخص زن و مرد؛

۱. ندانستن تفاوت های میان زن و مرد است.

۲. ندانستن و نا آگاهی در مورد علت این اختلافات ها می باشد.

با توجه به تحقیقات و مطالبی که در این مقاله به دست آمده نگارنده به اثبات این فرضیات پرداخته و با توجه به رجوع به آیات و روایات در قرآن و نهج البلاغه مستنداتی را ارائه نموده است. در اسلام نیز غرض از قانون ارث این است که دنیا به سامان شود و آنچه در اینجا بررسی آن برای ما مهم است، نتیجه برابری زن و مرد در ثروت دنیا است. بر حسب نظر عمومی زن در ثروت موجود در دنیا شریک مرد است اما زن را تحت سرپرستی مرد قرار می‌دهد و آنقدر از او سلب اختیاری کند که حتی در مالی که به ارث برده نمی‌تواند مستقلاً تصرف کند، و حتماً باید دخل و تصرفش با اجازه مرد باشد. در نتیجه، ثروت دنیا را مشترک بین زن و مرد می‌داند، ولی تصرف در همه آن را مخصوص مردان می‌داند، و این باعث شده است که جمعیت‌هایی علیه این قانون به پا خیزد تا زنان را از تحت سرپرستی مردان خارج سازند، و به فرض هم موفق شوند، تازه زنان و مردان را در اموال شریک کرده‌اند، هم در ملکیت و هم در تصرف.

فهرست منابع

*قرآن کریم، ترجمه ی فولادوند

(۱) آیت اللهی، زهرا، حقوق زنان برابری یا نابرابری، قم: دفتر نشر معارف، چاپ دوم، سال ۱۳۸۶.

(۲) جوادی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، قم: اسراء، نوبت چاپ چهارم، ۱۳۷۸.

(۳) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه ی دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، نوبت دوم، ۱۳۷۷.

¹. قرائتی، تفسیر نور، ج دوم، ص ۲۵۱.

- ۴) طباطبائی نسب، محمدرضا، تفسیر نفیس، تهران: مؤسسه فرهنگی نورالائمه، چاپ دوم، سال ۱۳۹۱
- ۵) طباطبائی، محمد حسین، تفسیرا لمیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ نشر ۲۲ بهار ۸۶.
- ۶) طباطبائی، محمد حسین، زن در قرآن، قم: مرکز نشر هاجر، چاپ اول، سال ۱۳۸۷.
- ۷) فلاح زاده، محمد حسین، آموزش فقه، قم: الهادی، چاپ دهم، ۱۳۹۳.
- ۸) کریمی، حمید، زن و مرد تشابه تساوی یا تناسب، قم: مرکز نشر هاجر، چ اول، ۱۳۹۱.
- ۹) کلینی، محمد بن یعقوب، تحفه الأولیاء (ترجمه أصول کافی)، قم: دار الحديث، چاپ: اول، ۱۳۸۸ ش
- ۱۰) محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دارالحديث، چاپ هفتم، سال ۱۳۸۷.
- ۱۱) مطهری، مرتضی، حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، چاپ ۶۲، سال ۹۱.
- ۱۲) مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، چاپ ۱۹، ۱۳۹۸.
- ۱۳) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، سال نشر ۸۶ - چاپ ۳۶
- ۱۴) مکارم شیرازی، ناصر، شرح پیام امام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
- ۱۵) مکارم شیرازی، ناصر، شرح پیام امام - تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۵
- ۱۶) نکونام، محمد رضا، زن مظلوم همیشه‌ی تاریخ، قم: ظهور شفق، چاپ اول، ۱۳۸۴
- ۱۷) سایت علت تفاوت ارث زن و مرد، سایت اندیشه قم: بازایی ۳۰/۲/۹۸